

الهام عباسی

## فضای مجازی، ماشین مخملی استکبار

انقلابی ماندن حوزه‌ها با محوریت پیام‌ها و دیدارهای حوزویان با ما مور و رهبری

خردورزی‌هایش در جهت تحقق بخشیدن به این تمایل از آن خودکننده است. چنین خصیصه‌ای در روحیه استکباری، مانند آهن‌ریا هر نوع ردیلتی را جذب می‌کند نه فقط به دلیل این که خوب بودن را دوست ندارد یا از نیکی و خیر فراری است، اتفاقاً او این‌ها را تحسین می‌کند، بلکه به دلیل این که بدی‌ها به کارش می‌آیند و می‌توانند در خدمت محاسبه‌های سلطه‌جویانه او قرار گیرند. به‌واقع ما با صرف درک روحیه تمامیت‌خواهی و برتری‌جویی، به مجموعه‌ای چشمگیری از بدی‌ها هدایت می‌شویم که هر یک می‌تواند به منزله کارکردی ویژه برای تحقق حرص سلطه‌جویانه مستکبران لحاظ شود. مسأله اساساً همین جاست. این که فرد یا افراد مستکبر ظرفیت و استعداد به خدمت گرفتن هرگونه پستی و شرارتی را فارغ از کوچکی و بزرگی‌اش دارند؛ به این دلیل است که ارزش‌ها، اولویت‌ها و جهان‌بینی آن‌ها بر مبنای استیلاجویی و تمامیت‌خواهی تبیین می‌شوند. به همین دلیل است که هر چیزی در دست آن‌ها اگر کمکی برای تحقق آن جهان‌بینی باشد، یک ابزار است. یعنی هر عنصر و شیئی در دست آن‌ها پیش از این که چیزی برای استفاده، رفاه یا منفعت عمومی باشد، ظرفیتی برای تبدیل شدن به چیزی علیه جامعه هدف محسوب می‌شود. حتی آن چه در نظر ما و در وهله اول مفید و شایسته می‌نماید، می‌تواند در جهان‌بینی آن‌ها در جهتی معکوس تعریف شود.

اگر زمانی ملت‌های عدالت‌طلب و آزادی‌خواه جان و مال خود را در راه مبارزه‌های ضداستکباری به میدان‌های جنگ‌های تن به تن می‌بردند، در دوران کنونی میدان مبارزه باید جلوه‌گاه نسبت و پیوند میان عقلانیت و دین‌مداری باشد. از طرفی رسانه‌ها و فضاها، مجازی به‌عنوان اصلی‌ترین حاملان جهان‌بینی و اندیشه غربی، به سبب گستردگی و مقبولیتی که از ناحیه جذابیت و کاربردهای علمی و تجاری، تبلیغی و تفریحی و... دارند، از اهمیت بسیاری برخوردارند.

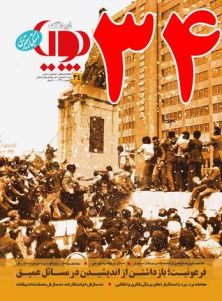
فضای مجازی در زمانه ما، در بسیاری از حیطه‌های کلان بشری، مانند سیاست، تجارت و اقتصاد، فرهنگ و سبک زندگی، مذهب، هنر و... تعیین‌کننده و خط‌دهنده است. بنابراین بسیار بعید و سهل‌انگارانه به نظر می‌رسد که مستکبران جهان، از چنین ظرفیتی چشم‌پوشند.

به موازات کژی‌ها و ناراستی‌های فضای مجازی که اغلب، در بستری از التقاط‌های میان حق و باطل با سرعت و فزونی جریان دارد، یک نگرانی عمده نیز وجود دارد. این نگرانی ناظر به فقدان عقلانیت مورد انتظار در این میانه پرفریب و پرهیاهو است. پیش از این هم گفتیم که مسأله ما با استکبار

درحالی که به‌رغم همه موانع و سختی‌ها دهه چهارم انقلاب اسلامی را با اقتدار و قدرت طی می‌کنیم، نه تنها چیزی از گردن کلفتی گردن کلفت‌ها کم نشده بلکه تاملی کوتاه در وضعیت پر آشوب جهان کنونی نشان می‌دهد که حیطه‌های اعمال و اقدام آن‌ها هم وسعت بیش‌تری یافته و هم شکل‌های متنوع‌تری یافته است.

پدیده انقلاب اسلامی، فارغ از همه ابعاد ریز و درشتش، ما را به یک ویژگی بنیادین و ذاتی که قوام‌بخش هویت و هستی آن است، ارجاع می‌دهد. این ویژگی، ایستادگی در برابر استکبار است. چنین نگرشی در باب ذات و هویت انقلاب اسلامی همواره بر یک تالزم دو طرفه تأکید می‌کند. این تالزم بدین معناست که اگر استکبارستیزی ذاتی انقلاب ماست، لاجرم نمی‌توانیم انقلاب را بدون آن فرض کنیم که در این صورت انقلاب را از معنا و آرمانش تهی کرده‌ایم. یعنی تا انقلاب هست، استکبارستیزی هم هست؛ اما طرف دوم این تالزم از ذات مستمر و گستاخ استکبار ناشی می‌شود. به این معنا که چون استکبار تا زمان تحقق وعده الهی، تعطیلی‌بردار نخواهد بود، انقلاب نیز حی و حاضر است. به عبارتی تا استکبار در جهان هست، انقلاب ما هم پابرجاست. اما مطالعه رویه‌های استکباری در تاریخ نشان می‌دهد، سلطه‌جویی نه به زمان و مکان خاصی منحصر است و نه به ابزار مشخص و واحدی. افزون بر این، استکبار پیش از این که به فعالیت‌ها و اقدامات سلطه‌جویانه و برتری‌طلبانه بیرونی، و به لشکرکشی‌ها یا تهاجم‌های گسترده فرهنگی و رسانه‌ای مربوط باشد، یک شیوه تفکر و جهان‌بینی است. بدین لحاظ مواجهه ابتدایی ما با آن، مواجهه‌ای عقلانی است. ما پیش از این که با استکبار درگیری دین و مذهب داشته باشیم، درگیری و تعارض جدی فکری داریم. اتفاقاً آن‌ها نیز عملکرد خود را عقلانی می‌دانند، و بر مبنای محاسبات برخاسته از جهان‌بینی خاص خویش به اقدام‌های گوناگون دست می‌زنند. تفکر و جهان‌بینی مستکبران، از تمامیت‌خواهی محض و تمایلات برتری‌طلبانه حکایت می‌کند. مستکبران، شهوت "از آن خودکنندگی" دارند و برای ارضای این شهوت، دلایل و استدلال‌های من‌درآوردی دست و پا می‌کنند؛ استدلال و منطقی که برای نمونه، گاهی ایجاب می‌کند نژادپرستی و بی‌ارزش شمردن ملت‌های ضعیف‌تر را برای برخی منافع علنی کند و گاهی مزورانه با آن مخالفت می‌کند.

این میل به مثابه رویکرد غالب، هیچ چیزی را در تملک دیگری بر نمی‌تابد، می‌خواهد همه چیز از آن او باشد. بدین ترتیب همه محاسبه‌ها و



گاهی به جای این که ساعت‌ها برای شناخت دشمن و عوامل نفوذش مطالعه کنیم، کافی است از خود بپرسیم چه میزان از زندگی ما با تکرارها و تقلیدها پر شده است! بسیاری از مخاطبان فضای مجازی در دوری باطل و بی‌سرانجام، مدام همدیگر را تکرار می‌کنند، این تکرارها آن قدر ادامه می‌یابند که سرانجام با تعداد بسیاری از آدم‌های هم‌شکل مواجه می‌شویم، کسانی که یکسان می‌اندیشند، یکسان زندگی می‌کنند و همگی مانند هم تسلیم و مطیع هستند. این بیانی بسیار ساده‌شده و ابتدایی از آرمان جهانی‌سازی غرب برای متحدالشکل کردن جهان است؛ آرمانی که در صدد است تا بدین طریق تمام دیوارها و موانعی را که به هم ملت‌های مستقل، مقاوم، عاقل، اصیل و دین مدار هنوز پابرجاست، از هم بگسلند.

قدرت و پیچیدگی چنین فضایی با این همه ظرفیت و امکان برای اهداف استکباری را فقط با هوشمندی و درایت انقلابی می‌توان کنترل کرد. عموم مردم با محاسبات و سنجش‌های غیرعقلانی فضای مجازی و شبکه‌های اینترنتی را چنان ساده و دم‌دستی تلقی می‌کنند که اساساً لزومی برای دقت‌های عقلانی و پیگیری‌های مدیرانه خاستگاه این فضاها نمی‌بینند. این در حالی است که در این برهه از زمان، نه دشمنی دشمن، پنهان است، نه سرانجام وعده‌هایی که با مفاهیمی چون آزادی و برابری و رفاه و... آمیخته است ناپیداست. بنابراین بی‌مسئولیتی محض است که بخواهیم همچنان مسأله‌مان با استکبار را جدای از فضای حاکم بر رسانه‌ها با تمام امکانات خوب و بدش، ببینیم و به سادگی بگذریم.

مواجهه واقعی و عقلانی با استکبار یعنی ببینیم و بفهمیم کسانی که امروز

چه آن هنگام که علیه ما اسلحه به دست می‌گیرد و چه این زمان که برنامه‌های نفوذ را از طریق رسانه‌ها و فضاها مجازی پی می‌گیرد، ابتدا مسأله‌های فکری و جنگ یک جنگ عقلانی است.

فضای مجازی مشحون از ادعاهای بی‌دلیل، شبهه‌های بی‌اساس، شلوغ کاری‌های سیاسی، عوامل تحریک‌کننده دعوا و اختلاف، و مانند این‌هاست. از طرفی تهییج کاربران به‌واسطه مشاهده زندگی‌های آن‌چنانی و شکل‌گیری تمایلات کاذب در آن‌ها برای هم‌شکل و همسان شدن با کلیت مادی‌انگار حاکم بر این فضاها، جاداشدن کاربران از بافت قومی و ملی خود برای درآمدن به هیأت جمعی سایر کاربران مجازی، انکار فردیت، تشخیص‌های خانوادگی و هویت اصیل خود و ساختن هویتی جدید و البته بنیاد یافته بر محور ارزش‌های همگانی و شایع این فضاها، همگی دستاویزی هستند برای به انزوا کشاندن عقلانیت و قوای فکری و تحلیلی ملت‌ها تا با دل سپردن به این روند فراگیر در فضاها مجازی، امکان نفوذ و سلطه فراهم شود.

راه برون‌رفت از چنین وضعیتی چیست؟ به گمان من نخستین گام، پذیرش و باور این وضعیت است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای فضای مجازی، تلبیس و آمیختگی خوبی با بدی است، یعنی اساساً اجازه نمی‌دهد افراد با نگاه ساده و سطحی خود بتوانند از میانه این التقاط، ذات فتنه‌انگیزش را ببینند. باور این وضعیت مسبوق به شناخت استکبار، رؤیای جهانی‌سازی و تملک این جهان خودساخته، و اصولاً آشنایی با تفکر و منطق مادی‌گرای آن‌هاست.

یک مواجهه عقلانی و بی‌طرف، براساس واقعیت‌های موجود در جهان کنونی، جنگ‌ها، آتش‌افروزی‌ها، ثروت‌اندوزی‌ها، سابقه سال‌ها استعمار و

## مواجهه واقعی و عقلانی با استکبار یعنی ببینیم و بفهمیم کسانی که امروز برای ما محتوای رسانه‌ای، الگوی مُد، اخبار مذنب و تحریف‌یافته سیاسی، سرگرمی‌های مبتذل، و سبک زندگی مثلاً مدرن تولید و ارائه می‌کنند، همان کسانی هستند که با گردن کلفتی او قلدری حکومت‌ها را به دلخواه عوض می‌کنند، بر سر مردم بی‌گناه بمب می‌اندازند.

برای ما محتوای رسانه‌ای، الگوی مُد، اخبار مذنب و تحریف‌یافته سیاسی، سرگرمی‌های مبتذل، و سبک زندگی مثلاً مدرن تولید و ارائه می‌کنند، همان کسانی هستند که با گردن کلفتی او قلدری حکومت‌ها را به دلخواه عوض می‌کنند، بر سر مردم بی‌گناه بمب می‌اندازند، به تروریست‌ها اسلحه می‌دهند، اسرائیل را پشتیبانی و مردم فلسطین را بی‌وطن می‌کنند و این همه حتی بخش کوچکی از آن‌چه استکبار برای تسلط و سروری بر ملت‌ها، به آن‌ها تحمیل می‌کند نیست.

ابتدالِ خوش آب و رنگ زیست جهان کنونی که فضای مجازی فرصتی برای انعکاس و انتشار حداکثری آن به شمار می‌رود آن روی سکه‌ای است که در کشورهای منطقه و حتی ممالک دورتر و فقیری چون آفریقا، کودکان و مردم بی‌گناه اما عدالت‌خواه را در خون و ظلم و فقر و گرسنگی غرق می‌کند. ساده‌ترین تصویری که می‌توان برای مقابله با این وضعیت به دست داد، این است که غیرت به خرج دهیم و گردن کلفتی مزدوران معلوم‌الحالی که توهم کذبایی عالم را دارند به هیچ گرفته و طبق اصول خود زندگی کنیم. سیطره نامشروع مستکبران جهانی تا هنگامی که با آگاهی و عقلانیت ملت‌ها در جهت تشخیص منافع، شناخت دوست و دشمنان‌شان، روبه‌رو باشد کاری از پیش نخواهد برد.

### پی‌نوشت

۱. از تعبیر مقام معظم رهبری در بیانات ایشان در دیدار با اقلات مختلف مردم سراسر کشور، ۱۳۶۸/۱/۰۶.

بهره‌کشی از اقلیت‌ها، حمایت از تروریست‌ها و ده‌ها مورد مشابه دیگر، که هر کدام به اندازه یک تاریخ قدمت دارد، ما را مستقیم در مواجهه با اصول فکری و جهان‌بینی مستکبران قرار می‌دهد.

به بیان دیگر اگر زمانی استکبارستیزی وظیفه‌ای محوّل شده به گروهی از مردم بود که در مرزهای واقعی سرزمین‌شان، می‌جنگیدند، وضعیت کنونی ما ایجاد می‌کند که هر فرد به تنهایی، همان هنگام که در رسانه‌ها می‌چرخد و صفحات فضای مجازی را رصد می‌کند، همچون یک انقلابی در مقابل استکبار بایستد.

ذات متکبر و برتری طلب استکبار، آراستن جهان مادی و افزایش زرق و برق‌ها را در چشم ملت‌ها، ابزاری برای تطمیع آن‌ها می‌داند. او گاهی با اسلحه، ملت‌ها را تسلیم و سازشکار می‌کند و گاهی با تطمیع و امتیاز دادن، از این رو مجازی نامیدن این فضاها و شبکه‌های اینترنتی، اغلب اسباب یک غفلت شناختی را موجب می‌شود؛ چراکه نه تنها پشتوانه یا به عبارتی ورودی فضای مجازی، کاملاً واقعی و مبتنی بر اهداف و برنامه‌های سازندگان و مدیران آن‌هاست بلکه خروجی و تأثیرگذاری فضای مجازی نیز مستقیم بر باور، افکار، انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و سبک زندگی جوامع و ملت‌هاست. ما آن چیزی را می‌خریم که در صفحات مجازی تبلیغش را دیده بودیم، حرف یا نظری را تکرار می‌کنیم که در صفحات مجازی خوانده بودیم، سؤال‌ها را می‌پرسیم که همه پرسیده بودند، ماجرابی را نقل می‌کنیم که همه از آن حرف می‌زدند، پیامی را ارسال می‌کنیم که در بیش‌تر صفحات دست به دست شده بود، غذایی را تهیه می‌کنیم که عکسش را دیده بودیم، ما حتی دوست، همراه و همسری را انتخاب می‌کنیم که شبیه فلانی بوده یا مدل فلانی لباس می‌پوشیده!